

تأثیر ناامنی بر فرایند زوال شیراز در نیمه دوم حکومت آل بویه (۳۷۲-۴۴۷ق)

محمد رضائی*، فاطمه اروجی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۰۷/۲۲) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۶/۱۰/۱۶)

Impact of Insecurity on the Decline of Shiraz in the Second Half of the Rule of Al-e Buye (372-447 AH)

Mohammad Rezaei, Fatemeh Orouji

Assistant Professor at Department of History and Civilization Islamic Nations, Azarbaijan Shahid Madani University; Associate Professor at Department of History, Tabriz University

Received: (2017.10.14)

Accepted: (2018. 01. 06)

Abstract

Following the election of Shiraz, the center of the Al-Boyah dynasty witnessed a period of growth for about fifty years, but after the difficulty of succession and conflict over the assault, after the death of Azzod al-Dawlah, the state of turmoil and decadence the city was provided. Due to the lack of the rule and the law for choosing a successor, each of the emirs faced contenders or claimants at the beginning of their rule. As a result, a long period of insecurity and instability in the Al-Boya area, especially in Fars and Shiraz, arose and continuous struggles not only prevented the possibility of engaging in civilian activities, but also, in addition to plundering the city, many monuments and neighborhoods destroyed by hostile forces. In addition, the urban grid, which supplies basic needs through inaccessibility and wars, has also suffered from insecurity that has been shaken by changing business routes and reducing trade revenues and accelerating the city's decline. Eventually, the loss of the former and the loss of his life fell for a long time as a result of the injuries inflicted during the Seljuks attacks. In the present study, the role of insecurity as an independent variable on the process of recession and decline of Shiraz during the second period of the Al-e Buye government is explained by a descriptive-analytical method with a historical approach and relying on library studies.

Keywords: Al-e Boye, Shiraz decline, succession problem, trade stagnation, urban life.

چکیده

در پی انتخاب شیراز به مرکزیت سلسله آل بویه این شهر برای مدت حدود پنجاه سال دوره‌ای از رشد و شکوفایی را شاهد بود، اما در پی بروز مشکل جانشینی و درگیری بر سر تصاحب تاج و تخت، پس از مرگ عضدالدوله، زمینه آشفتگی و انحطاط شهر فراهم شد. به علت نبود قاعده و قانون مورد اتفاق جهت انتخاب جانشین، هرکدام از امیران در ابتدای حکومت خود با مدعی و یا مدعیانی روبه‌رو شدند. در نتیجه دوره‌ای طولانی از ناامنی و بی‌ثباتی در قلمرو آل بویه به‌ویژه در فارس و شیراز به وجود آمد و در پی نبردهای مداوم نه تنها امکان پرداختن به فعالیت‌های عمرانی میسر نشد بلکه از رهگذر این حملات علاوه بر غارت شهر، بسیاری از بناها و محلات آن تبه دست نیروهای متخاصم تخریب گردید. علاوه بر آن، شبکه شهری تأمین‌کننده نیازهای اولیه در اثر عدم رسیدگی و جنگ‌ها دچار آسیب شد، تجارت نیز از ناامنی متأثر شده با تغییر مسیرهای تجاری و کاهش عواید تجارت دچار رکود گردید و جریان زوال شهر را شتاب بیشتری داد. در نهایت بر اثر آسیب‌های واردشده در جریان حملات سلاجقه اهمیت سابق را از دست داد و برای مدت‌ها فرو مرد. در جستار حاضر تلاش بر آن است تا نقش ناامنی به‌عنوان متغیری مستقل بر فرایند رکود و افول شهر شیراز در دوره دوم حکومت آل بویه با روش توصیفی تحلیلی با رویکردی تاریخی و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای تبیین شود.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، افول شیراز، مشکل جانشینی، رکود تجارت، حیات شهری.

* Corresponding Author: ac.m.rezaei@azaruniv.ac.ir

fatemeh.orouji62@gmail.com

*نویسنده مسئول

۱. مقدمه

شیراز دوره اسلامی به فاصله مدتی حدود سه سده پس از شکل‌گیری، به علت برخی امتیازات مانند مرکزیت سیاسی، به اوج رشد و شکوفایی خود رسید؛ یعنی به لحاظ فضای کالبدی، تأسیسات، محلات و منازل به‌عنوان محل استقرار و فعالیت عامل انسانی و تجلی‌گاه افکار و اعمال وی یا به عبارت بهتر از جنبه مادی و معنوی دوره‌ای همراه با رشد و گسترش را تجربه نمود، ولی این روند در پی مرگ عضدالدوله (۳۷۲ ق) چندان نپایید. به علت مشکل همیشگی نبود قاعده و قانون مشخص انتخاب جانشین در حکومت‌های ایرانی، هر کدام از امیران که قدرت را به‌دست می‌گرفتند، با مدعیانی از میان برادران و سایر اقوام مواجه می‌شدند. این روند دوره‌ای متوالی از درگیری و ناامنی را سبب شد که تا سقوط شاخه فارس تداوم یافت. در اثر درگیری مدعیان قدرت، شیراز پیوسته دست‌به‌دست شده از گذر این درگیری‌ها و ناامنی ناشی از آن به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم آسیب‌های بسیاری را متحمل شد. در اثر جنگ‌های روی‌داده بسیاری از ابنیه شهر تخریب و با تداوم این روند به‌مرور جمعیت شهر نیز کاهش یافت. از سوی دیگر درگیری‌های مداوم امکان رسیدگی به شبکه شهری آن را که به‌مرور دچار آسیب شده بود و مانند گذشته توان لازم جهت تأمین نیازهای ساکنان شیراز را نداشت، میسر نمی‌کرد. در کنار عوامل یادشده، جنگ و ناامنی علاوه بر رکود تجارت موجب تغییر مسیرهای تجاری گردید که به‌صورت پنهان در جریان رکود و افول بیشتر شهر دارای نقش بوده است.

با توجه به اهمیت موضوع شهر و شهرنشینی طی دهه‌های اخیر توجه شایانی به این موضوع شده است. در مورد شیراز، به‌ویژه تاریخچه شهر و نیز فرهنگ و

هنر آن پژوهش‌های ارزشمند چندی انجام یافته است، از جمله می‌توان کتاب *ارزنده تاریخ بافت قدیمی شیراز* (۱۳۵۳) و مقاله «شهر شیراز» (۱۳۶۵)، تألیف کرامت الله افسر را نام برد که به بررسی بافت تاریخی شهر پرداخته و در لابه‌لای مطالب آن اشاراتی به ابنیه و محلات شده است. در برخی آثار مانند *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*، تألیف علی اصغر فقیهی (۱۳۵۷)؛ *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل بویه*، تألیف محمد ایمانی‌فر (۱۳۸۹) و *البویه‌یون فی فارس*، تألیف علی حسن غضبان (۲۰۱۴)؛ علاوه بر نحوه استقرار و توسعه قلمرو به برخی اقدامات عمرانی دوره مورد نظر توجه شده و نیز می‌توان سیر وقایع سیاسی و درگیری‌های مدعیان قدرت را پیگیری نمود. همچنین در خصوص مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیراز در دوره مورد بحث و ادوار متأخرتر پایان‌نامه‌های چندی مانند «*اوضاع سیاسی اجتماعی شیراز در قرون نخستین اسلامی*»، تألیف مصطفی ابراهیمی (۱۳۸۹)؛ «*اوضاع سیاسی و اجتماعی شیراز در عهد آل بویه*»، تألیف لیدا مودت (۱۳۸۷) و رساله دکتری علی یحیایی با عنوان «*بررسی تحلیلی ساختار اقتصادی آل بویه (۴۴۷-۳۲۲)*» (۱۳۸۹) و «*ساخت شهری شیراز...*»، تألیف علی ستاری (۱۳۸۹) انجام یافته که هرکدام بخشی از مسائل شیراز را بررسی کرده‌اند. باوجود اهمیت موضوع و اشاره‌های گذرا در پژوهش‌های یاد شده، به موضوع ناامنی و تأثیر آن بر فرایند زوال شهر در دوره آل‌بویه به‌صورت مستقل توجهی مبذول نگردیده است. در جستار حاضر تلاش بر آن است با مراجعه به منابع مختلف تأثیر متغیر ناامنی ناشی از جنگ‌های مداوم بر افول شیراز در نیمه دوم حکومت آل‌بویه را با روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع مختلف مورد مطالعه قرار داده پاسخی به سؤال زیر داده شود:

(طبری، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۹۱۰-۱۹۶۶) و اصطخر با مرکزیت شهری به همین نام کرسی ایالت بود (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۰؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷). بر اساس اخبار فتوح به علت دفاع سرسختانه اهالی، به‌ویژه در اصطخر (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۴۳)، مسلمانان در محل شیراز که از موقعیت مناسبی برخوردار بود اردوگاه خود را برپا نمودند که این اردوگاه مدتی بعد تبدیل به شهر گردید (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۱). با توجه به مقاومت اهالی اصطخر، برخی پژوهشگران احتمال می‌دهند احداث شیراز تصمیمی سیاسی از سوی فاتحان، جهت کاستن اهمیت آن بوده است. با وجود اهمیت مسائل سیاسی در رشد و رونق شهرها، نمی‌توان به‌کلی با این نظر موافق بود زیرا عوامل دیگری نیز جهت رشد و توسعه یک سکونتگاه لازم است.

از نظر قدمت، تعدادی از نویسندگان اسلامی تاریخ احداث شهر را به ادوار افسانه‌ای رسانده‌اند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۸۲). برای مثال شیراز پسر طهمورث پیشدادی را به‌عنوان بنیان‌گذار شهر معرفی نموده‌اند (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۷۱). بر اساس اطلاعات این منابع برخی پژوهشگران احتمال می‌دهند شیراز در زمان فتوحات آبادی کوچکی بوده است^۳ (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۷۴). این اردوگاه در دوره امویان و حضور محمد بن قاسم گسترش یافته، به دارالملک ایالت فارس تبدیل گردید (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۷۱). لذا با وجود سابقه سکونت پیش از اسلام در آن، شیراز را محدث و ساخته شده در مسلمانی می‌دانند (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۲۴؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۹۶). از این زمان تا قدرت‌یابی آل بویه شیراز دوره‌ای همراه با رشد را پشت سر نهاد. در خصوص

نامنی و درگیری‌های متوالی و مکرر چه نقشی بر روند افول شیراز در نیمه دوم حکومت آل بویه داشته است؟

با توجه به اطلاعات موجود به نظر می‌رسد مشکل جانشینی در قالب درگیری‌ها موجب تولید نامنی گردیده و نامنی به انحای مختلف نقش اصلی را در افول شهر ایفا نموده است. نامنی موجبات رکود تجارت را فراهم نموده و این رکود در پی سیاست تجاری فاطمیان تشدید گردیده است. دوره نسبتاً طولانی درگیری‌ها مجال رسیدگی و ترمیم صدمات وارده به شبکه شهری را نداده و اختلال در شبکه شهری جریان رکود را تشدید نموده است. پیامد این وضعیت، همراه با خرابی‌های ناشی از حملات سلاجقه زوال بیشتر شهر را در پی داشته است.

۲. نگاهی به سیر رشد و گسترش شیراز تا مرگ عضدالدوله

پیش از آنکه تأثیر نامنی را بر افول شهر بررسی کنیم، لازم است وضعیت شیراز، از زمان پیدایش تا دوره طلایی عضدالدوله، بررسی شود. فارس در تاریخ ایران، به‌عنوان خاستگاه هخامنشیان و ساسانیان، جایگاه مهمی را دارا بوده و با پارسه^۱ مدنظر یونانیان و رومیان تا حدودی قابل انطباق است (رک: لسترنج، ۱۳۷۳: ۲۶۸؛ شواتس، ۱۳۷۲: ۲۷). بر اساس منابع جغرافیاینگاری اسلامی، هم‌زمان با فتوحات مسلمانان، فارس چهار کوره^۲ اصطخر، شاپور، دارابجرد و اردشیرخره را شامل می‌شد^۲

1. Persis.

۲. مقدسی خیر از شش کوره می‌دهد که نشان‌دهنده تغییرات تقسیم‌بندی ایالت فارس در ادوار مختلف است. وی اطراف شیراز را یک کوره در نظر گرفته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲ / ۶۳۱).

۳. قدمت سکونت در شیراز با کشفیات باستان‌شناسی و کاوش‌های انجام‌یافته به اثبات رسیده است (برای اطلاعات بیشتر، نک: افسر، ۱۳۵۳: ۲۴-۲۹؛ آبربی، ۱۳۴۶: ۴۰؛ اسلامی، ۱۳۵۱: ش ۱۱۴، ۶۵).

علل اولیه تأثیرگذار بر رشد شهر مؤلفه‌های چندی را می‌توان شناسایی نمود. موقعیت مناسب اقلیمی و گستردگی دشت شیراز اولین مسئله‌ای است که جلب توجه می‌کند. به نظر می‌رسد بنیان‌گذاران شهر به این مؤلفه تأثیرگذار توجه داشته‌اند، زیرا این ویژگی امکان توسعه آبی را فراهم می‌نمود (ر.ک: پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۸۶؛ آبروی، ۱۳۴۶: ۴۵). عامل تأثیرگذار بعدی، استقرار سپاه عرب در آن است که به مرور سبب مرکزیت سیاسی - نظامی شهر گردید. به تدریج در پی شکل‌گیری دیوان‌ها و لزوم جمع‌آوری خراج، این شهر مرکزیت اداری نیز یافت، لذا تنوع نقش‌ها را می‌توان در روند رشد شیراز مؤثر دانست. منابع اسلامی این دوره علت عمده اهمیت شیراز را بیشتر به دلیل مرکزیت اداری آن به‌عنوان دارالملک و محل استقرار عاملان و دیوان‌ها دانسته‌اند (جهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۰؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۱). این امتیازات را می‌توان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر رشد شهر تا دوره آل بویه، باوجود شهرهای مهمی مانند اصطخر، به‌شمار آورد که در پی تشکیل سلسله آل بویه تداوم یافته و از اهمیت بیشتر برخوردار گردیده است.

نظر به وجود اخبار اندک در خصوص شیراز، پیش از دوره مورد بررسی، چنین به نظر می‌رسد شهر پیش از روی کارآمد آل بویه مراحل همراه با رشد و شکوفایی و گاه رکود و آسیب را سپری نموده است. برای مثال یعقوبی (متوفی ۲۸۴ق) شیراز سده سوم را شهری مهم و زندگی در آن را قرین رفاه دانسته است (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۱۴۲). بااین‌وجود در همان ایام منازعاتی بین صفاریان و والیان عباسی بر سر فارس روی داد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۴ / ۶۲۷۵: تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۲۷) که به احتمال قریب به یقین موجب بروز آسیب‌هایی بر شهر شده است، هرچند اطلاعات قابل‌توجهی در این

خصوص در دست نیست.

از برخی اخبار می‌توان تا حدودی به تأثیر منفی این منازعات بر شهر هم‌زمان با قدرت‌یابی عمادالدوله پی برد. برای مثال دعوت بزرگان محلی از عمادالدوله را بایستی تلاشی از سوی ایشان جهت ایجاد امنیت و ثبات و بهبود وضعیت منطقه به‌شمار آورد. تصرف شهر توسط دیالمه، به سرکردگی علی بن بویه، را می‌توان آغاز دور جدیدی در حیات شهر دانست. علی بن بویه که بعدها عمادالدوله (۳۲۲-۳۳۸ق) لقب یافت با استفاده از آشفتگی اوضاع و حمایت برخی بزرگان محلی در سال ۳۲۲ق، شیراز را تصرف و با جلب نظر خلیفه عباسی سلسله آل بویه را پی افکند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۴۰۳ / ۵). انتخاب شیراز به‌عنوان مرکز حکومت نویناد ناشی از ملاحظات سیاسی - نظامی و اقدامی حساب شده است (غضبان، ۲۰۱۴: ۱۵۷-۱۶۱). روند رشد شهر در دوره عمادالدوله و عضدالدوله (۲۳۸-۳۷۲ق)، جانشین وی، به علت مرکزیت سیاسی، حفظ امنیت و نیز شکوفایی تجاری آهنگی شتابان یافت و به اوج شکوه و عظمت خود رسید و تبدیل به شهری وسیع و مهم گردید (اخوان‌الصفاء، بی‌تا: ۶۱) که ثعالی زندگی در آن را خوش و دلپذیر دانسته است (ثعالی، ۱۳۷۶: ۳۳۵). از لحاظ بافت کالبدی، شیراز هم‌زمان با تکاپوهای آل بویه، از کهن دژ و ربض تشکیل شده و فاقد استحکامات دفاعی بوده است (جهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۶). به‌مرور شهر با ایجاد محلاتی در اطراف کهن‌دژ گسترش یافت ولی از تعداد و اسامی این محلات در دوره مورد بررسی اطلاعی در دست نیست. تعداد محلات آن در دوره ایلخانان هفده محله بوده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۷۱).

انتخاب شیراز به‌عنوان مرکز اداره قلمرو حکومت تازه تأسیس آل بویه سبب تداوم همراه با رشد آن

به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر موقعیت شهر تأثیر منفی نهاد که در ادامه برخی از مهم ترین تأثیرات آن بر روند افول شیراز پرداخته خواهد شد.

۳. مشکل جانشینی، درگیری های داخلی و تولید ناامنی

یکی از مسائل اساسی تاریخ ایران که در اکثر قریب به اتفاق ادوار تاریخی روی داده مشکل جانشینی است. به علت نبود قانونی مشخص در انتخاب جانشین فرمانروایان، پیوسته خطر بروز جنگ های جانشینی و شورش و در نتیجه ایجاد ناامنی وجود داشته است. اگرچه شاه جانشین خود را معمولاً از میان یکی از پسرانش، اما نه الزاماً پسر ارشد^۳ انتخاب می کرد ولی این گزینش به علت نبود قانون، تضمین کننده تصمیم حکمران نبود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸). این قاعده کلی، که مانع مهم توسعه به شمار می رود، در همه ادوار تاریخ ایران، از زمان شکل گیری حکومت های مستقل و نیمه مستقل، قابل مشاهده است. با توجه به سیر حوادث و اطلاعات موجود، به نظر می رسد اولین عاملی که موجبات زوال شهر شیراز را فراهم نموده بروز درگیری بین شاهزادگان بر سر کسب جانشینی عضدالدوله و در نتیجه ایجاد دوره ای همراه با ناامنی و تداوم آن بوده است. ویژگی خاص این سلسله، یعنی متعدد بودن مراکز قدرت نیز این درگیری ها را تشدید نموده است.

با توجه به اخبار تاریخی مشکل جانشینی و ناامنی ناشی از منازعات مرتبط با آن در سراسر دوره

گردید؛ زیرا در دوره حکومت عمادالدوله^۱ و نیز دوره ۳۴ ساله حکومت عضدالدوله، در سایه آرامش و امنیت نسبی، اقدامات عمرانی و احداث برخی ابنیه عمومی همچون تأسیسات آبرسانی، کتابخانه، بازار، کاخ و... روند رشد و رونق شهر شتاب بیشتری یافت (رک: فقیهی، ۱۳۶۶: ۵۹۵-۶۲۷) و در پی آن بسیاری از علما و بزرگان عصر راهی شیراز شده بر اهمیت آن افزودند (رک: غضبان، ۲۶۵-۴۴۸). لذا دوره حکومت عضدالدوله را می توان مهم ترین دوره رشد و توسعه شیراز از زمان احداث تا سقوط آل بویه دانست. رونق و جاذبه زندگی در شهر را می توان عامل مهم جذب جمعیت مناطق دور و نزدیک بدان^۲ و در نتیجه افزایش جمعیت و گسترش بافت کالبدی آن به شمار آورد.

نقل است که شیراز در عهد دیالمه چنان معمور بود که آوازه رخص نعمت و رفاهیت رعیت آنجا به جمیع دیار و اقالیم رسید، و از هر طرف به آن جایگاه روی نهادند (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۲۵؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۶).

افزایش جمعیت را می توان از اشارات برخی منابع که خبر از حمل خواربار و کالاهای مختلف به شیراز می دهند دریافت (همان: همان جا؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۹).

روند رشد شهر در پی مرگ عضدالدوله در نتیجه ناامنی ناشی از جنگ های جانشینی متوقف شد و ناامنی

۱. برای مثال تعمیر کهن دژ شیراز به دستور عمادالدوله را می توان عامل تداوم و حفظ ابنیه گذشته دانست (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۲۷).

۲. باوجود آنکه آمار و حتی اشاره ای به تعداد و مبدأ مهاجرت در دست نیست ولیکن به حدس قریب به یقین قسمت عمده مهاجران از روستاها و شهرهای اطراف بوده اند که احتمالاً جهت فرار از پرداخت خراج و شاید بهره مندی از امکانات و رفاه بیشتر به شیراز روی آورده اند. باوجود تأثیر مثبت مهاجرت بر گسترش شیراز به احتمال زیاد، اگرچه در منابع اطلاعی در این مورد ثبت نگردیده، ولی این مسئله در درازمدت موجب کاهش جمعیت برخی نواحی اطراف از نیروی تولیدی شده و بر شبکه تأمین نیازهای اولیه اهالی شهر تأثیر منفی نهاده است.

۳. در دوره مورد بررسی ابوالفوارس شیردل پسر ارشد عضدالدوله به علت حضور بدون اجازه از حاجب بر بالین پدر موقعیت خود را از دست داد و به صورت محترمانه به کرمان تبعید شد (الانطاکی، ۱۹۹۰م: ۱۹۷-۱۹۸).

درگیری دو طرف بر سر شیراز با پیروزی سلطان‌الدوله به پایان رسید. بازگشت مجدد ابوالفوارس، با یاری غزنویان، به فارس نیز موفقیتی در بر نداشت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/۱۴). دوره حکومت سلطان‌الدوله نیز کوتاه بود و وی در سن ۲۲ سالگی، در شوال ۴۱۵، درگذشت. پس از مرگ وی، سپاه ترک ابوالفوارس را به شیراز دعوت نمودند ولی حکومت وی با مخالفت ابوکالیجار مواجه شد. باوجود پیروزی ابوکالیجار، درگیری ادامه یافت و شیراز بارها میان دو طرف دست‌به‌دست شد و منازعات تا زمان مرگ ابوالفوارس (۴۱۹ق) تداوم یافت (همان: ۲۲/۵۴). پس از ابوکالیجار پسرش، ابومنصور فولاد ستون، به حکومت رسید و تا ۴۴۸ق بر فارس حکومت نمود. وی نیز شاهد حملاتی از سوی مدعیان حکومت و سایر امرای آل بویه بود (همان: ۲۲/۲۹۸) و در نهایت حکومت فولاد ستون با غلبه فضلویه، سرکرده کردان شبانکاره، خاتمه یافت (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۰۱). در طی این مدت نسبتاً طولانی، با توجه به تداوم جنگ‌ها و ناامنی و بازتولید آن، عملاً امکان ترمیم خرابی‌ها و بهبود شرایط غیرممکن بوده است.

این مطالب نشان‌دهنده وخامت اوضاع سیاسی فارس و شیراز در نیمه دوم حکومت آل بویه است. به نظر می‌رسد درگیری‌های مداوم و عدم ثبات سیاسی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، تأثیر غیرقابل انکاری بر حیات شهر داشته است. لذا می‌توان ناامنی و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از آن را مهم‌ترین عامل افول شهر دانست. بررسی و تجزیه و تحلیل اخبار می‌تواند به خوبی اوضاع آشفته سیاسی این دوره را روشن نماید. اولین نکته قابل مشاهده سن و سال نسبتاً پایین و در نتیجه عدم تجربه کافی حکام است. امیران در سنین پایینی قدرت را به دست می‌گرفتند لذا فاقد تجربه لازم جهت اداره امور و سروسامان دادن به

هفتادوپنج‌ساله حکومت آل بویه، پس از مرگ عضدالدوله، قابل‌شناسایی است. در پی مرگ عضدالدوله در شوال ۳۷۲ق با پسر دومش، ابی کالیجار مرزبان با لقب صمصام‌الدوله، بیعت شد؛ ولی تلاش وی در تسلط بر فارس با تصرف شیراز به دست ابوالفوارس شیردل، برادر ارشد، ناکام ماند. ابوالفوارس نام صمصام‌الدوله را از خطبه انداخت و با لقب شرف‌الدوله حکومت فارس را به دست گرفت. این امر سرآغاز درگیری بین دو برادر بود که به شکست صمصام‌الدوله منتهی گردید. دوره حکومت شرف‌الدوله نیز کوتاه بود و در سن ۲۸ سالگی، پس از هشت سال حکومت، در سال ۳۷۹ق درگذشت (ر.ک: الروذراوری، ۱۹۱۶م: ۷۷-۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۱۴۳-۱۴۴). مرگ وی آغازگر دور دوم مجادلات جانشینی در میان آل بویه شاخه فارس بود. پس از مرگ شرف‌الدوله برادرش، ابونصر بهاء‌الدوله، قدرت را به دست گرفت (الروذراوری، ۱۳۱: ۱۳۱). وی در سال ۳۸۰ق جهت تصرف فارس تا ارجان پیش رفت، ولی از صمصام‌الدوله که پس از مرگ شرف‌الدوله از حبس رهایی یافته بود، شکست خورد. با اینحال درگیری دو طرف بر سر فارس و شیراز به مدت شش سال (۳۸۰-۳۸۶ق) ادامه یافت و از رهگذر آن آسیب‌های چندی بر شیراز وارد آمد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۱۹۳).

دور دوم حکومت صمصام‌الدوله در شیراز چندان پایید و پس از ۹ سال و در ۳۵ سالگی، به دست پسران فخرالدوله خاتمه یافت (الروذراوری، ۳۱۲-۳۱۵؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۲۵۶). در پی کشته شدن صمصام‌الدوله، بهاء‌الدوله شیراز را تصرف نمود. پس از بهاء‌الدوله پسرش سلطان‌الدوله حکومت را به دست گرفت، در پی آن دور دیگری از درگیری‌ها آغاز گردید و سلطان‌الدوله با شورش ابوالفوارس روبه‌رو شد.

۴. درگیری‌ها، ناامنی و تأثیر آن بر بافت کالبدی

شیراز

با توجه به عدم انجام کاوش‌های باستان‌شناسی گسترده در مورد شهرهای دوره اسلامی، به‌ویژه شیراز، اطلاعات چندانی از وضعیت شهر در ادوار مختلف وجود ندارد؛ لذا نمی‌توان با قاطعیت از میزان تأثیر درگیری‌های این دوره بر تخریب بافت کالبدی شهر سخن به میان آورد. در منابع موجود که اکثر آنها مربوط به ادوار بعد از آل بویه می‌باشند، تنها به اشارات کوتاه و پراکنده در این مورد بسنده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات اندک موجود حاکی از صدمات متعدد بر کالبد و تأسیسات شهری طی دوره ۷۰ ساله پس از مرگ عضدالدوله است. به نظر می‌رسد درگیری‌های پیاپی و ناامنی ناشی از آنها به دو طریق بر افول شهر مؤثر بوده است. تداوم جنگ‌ها و کوتاهی دوره حکومت‌ها، علاوه بر آنکه امکان پرداختن به اقدامات عمرانی را میسر نمی‌کرد، به‌صورت مستقیم موجب تخریب بسیاری از بناهای ادوار گذشته و برخی محلات شهر گردیده و به قول حافظ ابرو «شیراز در آن فترات به غایت خرابی رسیده است» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۲۰). برای مثال در اوایل حکومت ابوکالیجار، بر اثر بروز اختلاف با ابونصر وزیر، قتلش به شیراز یورش برد و از رهگذر آن ضربات شدیدی به شیراز وارد گردید. نتیجه مستقیم این حملات تخریب و آسیب به بسیاری از ابنیه و عمارات ادوار قبل در شیراز و نیز کرد فناخسرو بود (رک: ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۳۶). در جریان این درگیری‌ها میان دو گروه اهل شمشیر، یعنی دیلمیان و ترکان نیز ستیزه‌هایی بروز نمود و دو طرف به‌توالی اقدام به غارت شهر کردند. نمونه چنین اقدامی را می‌توان در دوره صمصام‌الدوله مشاهده نمود. زمانی که

اوضاع آشفته بودند. از سوی دیگر چنین وضعیتی موجب رقابت سران سپاه جهت تسلط بر امیران می‌شد و موجب تولید ناامنی و در نتیجه آشفتنگی بیشتر اوضاع می‌گردید. دومین نکته قابل توجه کوتاهی مدت حکومت امرای این سلسله در دوره مورد بررسی است، لذا عملاً امکان اقدامات اساسی و تغییرات مهم و بنیادی در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در ارتباط با ساخت‌وساز و ترمیم آسیب‌ها و خرابی شهر و اقدامات عمرانی مهیا نبوده است.^۱ نکته سوم اینکه همه امیران با شورش برادران و سایر مدعیان حکومت مواجه بوده‌اند و این شورش‌ها در سراسر دوره پس از عضدالدوله تداوم داشته است. نکته مهم دیگری که نایستی از آن غافل شد و در افول شهر، در کنار منازعات داخلی، به‌صورت غیرمستقیم اثرگذار بود کاهش عایدات امیران شیراز به علل مختلف است. در دوره عمادالدوله شیراز به‌عنوان مقر امیرالامرا از اهمیت زیادی برخوردار بود و در دوره عضدالدوله نیز تا حدودی اهمیت خود را حفظ نموده و شهری مهم به شمار می‌رفت. بعد از مرگ عضدالدوله قلمرو وی به پنج قسمت تجزیه گردید و شیراز مرکزیت سابق را به‌عنوان مقر امیرالامرا از دست داد و از عوایدی که در دوره حکومت عمادالدوله و عضدالدوله وارد دربار می‌شد، کاسته شد. نویسنده *فارسنامه* درآمد بنادر فارس در دوره عضدالدوله را بالغ بر سه میلیون و سیصد و چهل و شش هزار دینار بیان کرده است، ولی اطلاعی از ادوار بعد در دست نیست (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۰۱). این تغییرات در کنار تداوم ناامنی عامل مهمی در افول شهر بود.

۱. در مورد جامعه کوتاه مدت (رک: کاتوزیان، ۱۳۹۰).

ترک آنها شده‌اند. در تأیید این ادعا ابن بلخی خبر از تعداد زیاد محلات ویران نسبت به محلات آباد و قابل سکونت داده است «اکنون همه ویران است، الا محلتی چند، دیگر هیچ نمانده است» (همان: ۳۲۰). این خبر به‌خوبی میزان آسیب‌های وارده به شهر در اثر درگیری‌ها و حملات را نشان می‌دهد، چنان‌که دو قرن بعد از این رویداد که ابن بلخی اثر خود را به رشته تحریر در آورده، بسیاری از نقاط شهر همچنان متروک بوده است.

۵. ناامنی و آسیب به شبکه شهری

یکی از عوامل مهم در رشد و گسترش شهرها وجود شبکه یا ناحیه شهری است. شبکه شهری را می‌توان منطقه‌ای جغرافیایی با سکونتگاه‌های بزرگ و کوچک که دارای تولیدات کشاورزی و صنعتی هستند، دانست که به رفع نیازهای متقابل یکدیگر یاری می‌رسانند (ر. ک: نظریان، ۱۳۷۲: ۱۰۳). با توجه به اهمیت تولید محصولات کشاورزی، به‌ویژه جهت تأمین نیازهای اولیه، ساکنان شهرها به تولیدات مازاد کشاورزی مناطق اطراف به‌شدت وابسته بودند^۲ و هر گونه آسیب و اختلال در تولید، پیامد و تأثیرات منفی بر شهرها داشت. اطلاعات موجود نشان‌دهنده وجود چنین شبکه‌ای مهم در شهرهای دوره مورد بررسی است که در منابع جغرافیاینگاری از آنها تحت عنوان رستاق‌ها و دهات یاد شده است (باستانی راد، ۱۳۸۷: ش ۵/ ۵۹، ۸۲)؛ برای مثال اردشیرخره که شیراز مرکز آن به

وی در شیراز حمایت دیلمیان را جلب می‌نمود، ترکان به شیراز حمله کرده شهر را غارت کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸۰/ ۲۱). نمونه چنین اقداماتی از سوی لشکریان، به‌کرات در منابع انعکاس یافته است.

از سوی دیگر ناامنی ناشی از حملات مدعیان سبب شد نسبت به احداث بارو و حصار به گرد شهر اقدام شود. به دستور ابوکالیجار بارویی گرد شهر ساخته شد که ساختمان آن در سال ۴۴۰ق به پایان رسید^۱ (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/ ۲۳۱؛ حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۷۱). شیراز تا این دوره فاقد بارو، به‌عنوان مهم‌ترین تأسیسات دفاعی، بود. احداث بارو و حصار را می‌توان عامل مهم و تأثیرگذار بر بافت و سیمای ظاهری شهر، به‌ویژه در ادوار بعدی، به شمار آورد. ولی این اقدام نیز نتوانست روند افول و زوال شهر را متوقف نماید. در پی شورش فضلویه بر مخدوم خود، شیراز بار دیگر دچار غارت شد، ولی ضربه اساسی را درگیری میان فضلویه و قاورد بدان وارد نمود. «غارت‌های متواتر بر شیراز و آن اعمال رفت، باز به غایت خرابی رسید» (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۲۰). ابن بلخی برای مردمی که مورد غارت و چپاول قرار گرفته بودند از واژه «یک‌باره مستأصل شدند» استفاده نموده که نشان‌دهنده شدت عمل قوای سلجوقی در حمله به شیراز است (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۲۲). علیرغم اطلاعات اندک موجود، به‌احتمال قریب به‌یقین آسیب درگیری‌ها و ناامنی بسیار بیشتر از آن بوده که منابع گزارش نموده‌اند، زیرا روند افول شهر تا دوره اتابکان همچنان تداوم یافته است. به نظر می‌رسد در اثر حملات، برخی از محلات تخریب و ساکنان مجبور به

۲. از ویژگی‌های گوناگونی که گویای ماهیت یک شهر است و چه بسا علت اولیه برپایی آن بوده‌اند وجود یک حوزه زراعی است که از طریق اضافه تولید خود اساس تغذیه جمعیت شهری را فراهم می‌سازد و در عین حال بازاری برای تولیدات تکمیلی یا تمام‌شده شهری به شمار می‌آید (الرس، ۱۳۷۰: ۱۲۰).

۱. محیط باروی شهر ده هزار ذراع و عرض آن هشت ذراع و دارای دوازده دروازه بوده است. نویسنده نزه القلوب اندازه آن را دوازده هزار و پانصد گام ثبت نموده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۷۱) این ارقام نشان‌دهنده وسعت شهر در اواخر دوره آل بویه است.

این دوره از ثبت چنین مسائلی غفلت نموده‌اند، از برخی اشارات موجود می‌توان به اختلال در شبکه شهری پی برد. برای مثال ابن اثیر در ذیل حوادث سال ۳۸۲ق در جریان نبردهای بهاءالدوله و صمصام‌الدوله بر سر فارس خبر از گرانی نرخ‌ها می‌دهد که به احتمال زیاد پیامد ناکارآمدی شبکه شهری در تأمین نیازهای اهالی در پی منازعات طولانی بوده است (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۱۹۴).

۶. نامنی، رکود تجارت و افول شیراز

قرار گرفتن شهرها در مسیرهای تجاری زمینی و دریایی را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر رشد و رونق آنها به شمار آورد. این علت فاعلی همان‌گونه که در پیدایش و رشد شهرها مؤثر است، گاهی با تغییرات ایجادشده نقش معکوس ایفا نموده موجبات افول برخی شهرها را فراهم می‌نماید (ر.ک: سیف، ۱۳۸۲: ۱۶۲؛ عثمان، ۱۳۷۶: ۱۱۸). شهرهای قلمرو آل بویه به علت نحوه استقرار از موقعیت جغرافیایی مناسبی برای رشد و شکوفایی برخوردار بودند. شیراز از سویی در مسیر راه‌های زمینی و از سوی دیگر در مسیر راه‌های دریایی قرار داشت. مهم‌ترین راه‌های شیراز به سمت جنوب به سیراف و هرموز، یعنی بنادر خلیج فارس، منتهی می‌گردید. از سوی دیگر راه‌های مهمی به سوی شرق، جبال و بین‌النهرین مورد استفاده بوده است (ر.ک: ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۸۰-۳۸۸). در نیمه اول حکومت آل بویه، به‌ویژه دوره حکومت عضدالدوله، با ایجاد تسهیلات برای تجار و افزایش امنیت مسیرهای تجاری در پی سرکوب راهزنان^۲، تردد کشتی‌ها و

شمار می‌رفت، شهرها و روستاهای زیادی را شامل می‌شد (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱/۱۸۳؛ مقدسی، ۱۳۳۲: ۲/۲۳۳؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۶۷). این حوزه وسیع به‌عنوان شبکه شهری سبب تأمین نیازهای متقابل شهرها و روستاها، به‌ویژه رفع نیازهای اولیه شهر شیراز می‌گردید. با توجه به اشارات برخی منابع افزایش جمعیت شهر در نیمه اول حکومت آل بویه موجب سرازیر شدن غلات و میوه و نیز حیواناتی مانند گاو و گوسفند جهت مصرف اهالی شده است^۱. برای مثال ابن بلخی در مورد کوار می‌نویسد: «بیشتر حوایج شیراز و آن حدود از آنجا آورند» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۲۳). احتمالاً اهمیت و حجم زیاد محصولات ارسالی به شیراز سبب گردیده آن را به معده شیری تشبیه نمایند که کالاهای مناطق اطراف را می‌بلعید (ر.ک: جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۶؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۹).

تا زمانی که آرامش در منطقه برقرار بود این شبکه به‌خوبی نیازهای شیراز را تأمین می‌نمود، اما در نیمه دوم حکومت آل بویه، در پی منازعات مکرر و نامنی ناشی از آن، شبکه شهری دچار آسیب شده، کارایی سابق را از دست داد. با توجه به نامنی مداوم امکان رسیدگی به وضعیت شبکه شهری به‌ندرت میسر گردید، در کنار آن سپاهیان جهت به‌دست آوردن اموال دست به غارت و تعدی گشودند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۲/۵۵). پیامد مستقیم این وقایع، اختلال در تولید شبکه شهری بود که به‌صورت غیرمستقیم در افول شیراز تأثیر گذاشته است. باوجود آنکه مورخین و جغرافیانگاران

۱. یاقوت حموی بیضا را تأمین‌کننده خواروبار اهالی شیراز معرفی می‌نماید (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۱/۶۷۹). سه منطقه تی، مدان و جویکان گردوی مورد نیاز شهر را تأمین می‌نمودند (حافظ ابرو، ۱/۱۳۳). حتی در برخی نواحی پارچه مورد نیاز اهالی شهر تولید می‌شد و علاوه بر رفع نیازهای شهر مقداری از تولیدات آن صادر می‌گردید (Lombard, 1975: 41).

۲. از جمله گروه‌های راهزن قفص و بلوچ‌ها را می‌توان نام برد که امنیت راه‌های شمالی و شرقی فارس را به خطر انداخته بودند و

قافله‌های تجاری افزایش یافت؛ در نتیجه بر میزان درآمد حکومت افزوده شد و امکان بیشتری جهت اقدامات عمرانی فراهم گردید (ر. ک: کاهن و کبیر، ۱۳۸۴: ۷۰؛ کبیر، ۱۳۶۲: ۶۹). بر این اساس رشد و توسعه شیراز را می‌توان تا حدودی معلول شکوفایی تجاری و تجمع ثروت دانست. پس از مرگ عضدالدوله (۳۷۲ق) در اثر منازعات داخلی و ناامنی ناشی از آن، تجارت نیز از آن متأثر و به تدریج دچار رکود شد. رکود تجارت به‌عنوان مؤلفه‌ای پنهان ولی تأثیرگذار بر زوال شیراز زاینده عوامل چندی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

با توجه به دوره نسبتاً طولانی منازعات بر سر کسب قدرت امکان پیگیری سیاست تجاری دوره اول میسر نگردید. اشتغال امیران به دفع مدعیان قدرت سبب گردید توجه جدی به حفظ و نگهداری مسیرهای تجاری به عمل نیاید. به‌مرور امنیت راه‌ها از بین رفت و راهزنی رایج شد. در کنار مسئله ناامنی وقوع برخی مسائل ناخواسته مانند بلایای طبیعی و سیاست‌های تجاری دول همسایه رکود اقتصادی را تشدید نمود. با توجه به اینکه اقتصاد تجاری فارس تا حدود زیادی به بنادر آن در خلیج فارس متکی بود؛ هرگونه آسیب بدان بر کل منطقه به‌ویژه شیراز اثرگذار بود. اگرچه شیراز در این دوره از آسیب بلایای طبیعی در امان ماند ولیکن از تأثیر زلزله سیراف برکنار نماند^۱.

توسط عضدالدوله و با شیوه‌های مختلف سرکوب شدند (ر. ک: الروذراوری، ۱۹۱۶م: ۵۷؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲ / ۶۹۴-۶۹۵؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۵). غیر از آن راه‌های فارس به سمت خلیج فارس از راهزنی مردم کران و ایراهستان پاک‌سازی شد و امنیت در این مسیر نیز برقرار گردید (ر. ک: ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۱۸).

۱. این منطقه از ادوار پیش از آل بویه به علت قرار گرفتن بر روی گسل به فراوانی زلزله معروف بوده و توجه جغرافیانگاران و مورخان را جلب نموده است (برای مثال ر. ک: مسعودی، ۱۳۸۹: ۴۸).

بر اثر بروز چندین زلزله پیاپی، سیراف^۲ دچار آسیب جدی شد. رکود سیراف به‌صورت غیرمستقیم بر کل اقتصاد فارس، به‌ویژه شیراز، اثر منفی نهاد و بر روند نزول آن مؤثر افتاد. تغییر مسیر تجارت از خلیج فارس به دریای سرخ نیز به‌صورت غیرمستقیم بر افول شیراز مؤثر بوده است و سبب وخامت وضعیت آشفته اقتصادی فارس گردید. در این دوره راه تجاری از شرق به سمت دریای مدیترانه، دو مسیر اصلی را شامل می‌شد. علاوه بر مسیر شمالی که به سمت غرب ایران امتداد می‌یافت، مسیر دریایی ابریشم از جنوب شرق آسیا و شبه قاره هند به بنادر خلیج فارس و از طریق خشکی به بین‌النهرین و شام و در نهایت بنادر مدیترانه می‌پیوست. رونق این مسیر در نیمه اول حکومت آل بویه در رشد و شکوفایی شیراز مؤثر بود. مسیر دوم از شبه‌قاره هند شروع و پس از عبور از دریای سرخ به سواحل مصر منتهی می‌شد. در پی آشفته‌گی و جنگ‌های داخلی و ناامنی به وجود آمده در قلمرو آل بویه و اشتغال امیران به دفع مدعیان؛ فاطمیان با ایجاد تسهیلاتی موجبات رونق این مسیر را فراهم نمودند^۳. اتخاذ چنین سیاست عاقلانه موجب بحران در تجارت دریایی بنادر خلیج فارس گردید (ر. ک: خیراندیش و خلیفه، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۴؛ کاهن و کبیر، ۱۳۸۴: ۲۷). مقدسی زمانی که به وضعیت بنادر مصر در دریای سرخ و یمن پرداخته به رونق تجارت با شرق دور و هند اشاره نموده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱ / ۱۳۷-۱۳۸؛ ۲۷۹-۲۸۷؛ ۳۰۵-۳۰۶). وی ضمن اشاره به فسطاط، وسعت، آبادی و بازارهای آن را ستوده و از بغداد این دوره برتر دانسته است (همان:

۲. در مورد زلزله سیراف (ر. ک: سمسار، ۱۳۳۷: ۲۴۷).

۳. در مورد سیاست تجاری فاطمیان مصر (ر. ک: ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۱۹-۱۲۱).

۱/ ۲۸۰-۲۸۱؛ چنان که می نویسد:

همیشه میوه های شام و مغرب بدانجا می آید و منافع از عراق و مشرق بدانجا کشیده می شود. کشتی ها از چین و روم به آنجا می آیند... (همان: ۱/ ۲۸۴).

این به روشنی نشان دهنده یکی از علل مهم رکود تجارت در بنادر فارس است که شیراز را نیز متأثر نموده، به افول بیشتر آن انجامیده است. با توجه به درگیری های داخلی امیران بویهی فرصتی جهت پیشبرد سیاست های تجاری دوره اول به دست نیامد و به علت ناامنی طولانی به مرور تجار رغبت خود را جهت استفاده از مسیرهای سابق که بخشی مهم آن از بنادر و مسیرهای زمینی منطقه فارس می گذشت از دست دادند.

۷. نتیجه

در فرایند افول شهر شیراز نمی توان یک عامل خاص را مؤثر دانست، بلکه مجموعه ای از عوامل در بروز آن اثرگذار بوده اند. در میان مؤلفه های متعدد مؤثر بر این فرایند، ناامنی نقش عمده و محوری داشته و سایر عوامل به نوعی از آن اثر پذیرفته اند. در پی مرگ عضدالدوله، با توجه به مشکل همیشگی رقابت جهت رسیدن به جانشینی، به علت نبود قانون، دوره ای از شورش، جنگ و در نتیجه ناامنی به وجود آمد که پس از مرگ هر یک از امیران بار دیگر تجدید شد. وجود مدعیان متعدد، کوتاه بودن دوره حکومت و تداوم درگیری ها در مدتی حدود هفتادسال، ضمن اینکه عملاً امکان توجه به عمران و آبادی شیراز را سلب نمود، به صورت مستقیم به تخریب ابنیه و محلات و به عبارت بهتر دستاوردهای ادوار گذشته انجامید. از سوی دیگر منازعات دامنه دار موجبات آسیب شبکه شهری را فراهم آورد و بی توجهی به ترمیم شبکه تأمین نیازهای اولیه به نوبت خود زندگی ساکنان را با مشکل مواجه

نمود. غیراز آن آسیب به تجارت فارس که با تغییر مسیر تجاری به دریای سرخ تشدید گردید به نوبت خود زوال بیشتر شهر را در پی داشته است.

منابع

- آربری، ا.ج (۱۳۴۶). شیراز مهد شعر و عرفان. ترجمه منوچهر کاشف. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن اثیر (۱۳۷۱). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران. عباس خلیلی. ابوالقاسم حالت. تهران: علمی.
- ابن بلخی (۱۳۷۴). فارسنامه. به کوشش منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارسی شناسی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۴۵). صورة الارض. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن زکوب، ابوالعباس معین الدین شیرازی (۱۳۵۰). شیراز نامه. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی (۱۳۴۹). مختصر البلدان. ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن مسکویه رازی (۱۳۷۶). تجارب الامم. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: توس.
- اسلامی، الله قلی (۱۳۵۱). «تاریخچه شهر شیراز». هنر و مردم. ش ۱۱۴. ص ۶۴-۶۷.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۶). مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- افسر، کرامت اله (۱۳۵۳). تاریخ بافت قدیمی شیراز. تهران: انجمن آثار ملی.
- الانطاکی، یحیی بن سعید (۱۹۹۰). تاریخ الانطاکی (المعروف بصله تاریخ اوتیخا). به کوشش عمر عبدالسلام تدمری. طرابلس: جروس بروس.
- الرس، اکارت (۱۳۷۰). «سرمایه داری بهره بری و گسترش شهری در شرق اسلامی». مجله علوم زمین. نشریه دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی. دوره جدید. ش ۱. ص ۱۱۵-۱۷۲.

- باستانی‌راد، حسن (۱۳۸۷). «واژه‌شناسی تاریخی ده و روستا در ایران». *تاریخ ایران*. س ۵۹/۵. ص ۶۵-۸۸.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷)، *فتوح البلدان*. ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- ثعالبی، ابی منصور عبدالملک بن محمد (۱۳۷۶). *ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب*. ترجمه رضا انزایی نژاد. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم*. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. تهران: به نشر.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*. تصحیح صادق سجادی. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب و انتشارات بنیان.
- حمدالله مستوفی قزوینی (۱۳۸۱). *نزهة القلوب*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. قزوین: نشر حدیث امروز.
- خیراندیش، عبدالرسول - خلیفه، مجتبی (۱۳۸۶). «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی، سده‌های ۵ و ۶ هجری با تأکید بر نقش بندر تیز»، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*. ش ۶۵. ص ۷۱-۹۲.
- الروذآوری، ابی شجاع محمد بن حسین (۱۹۱۶). *ذیل کتاب تجارب الامم*. تصحیح ه.ف آمدروز. مصر: شركة التمذنی الصناعیة.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۳۷) *جغرافیای تاریخی سیراف*. تهران: انجمن آثار ملی.
- سیف، احمد (۱۳۸۰). *استبداد، مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*. تهران: نشر رسانش.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- عثمان، عبدالستار محمد (۱۳۷۶). *مدینه اسلامی*. ترجمه علی چراغی. تهران: امیرکبیر.
- غضبان، د. علی حسن (۲۰۱۴م). *البویهون فی فارس - درسه فی احوال السیه و الفکریه*. بغداد: دار و مکتبه عدنان و دارالرافدین.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶). *آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نموداری از زندگی جامعه اسلامی در قرن‌های چهارم و پنجم*. چاپ سوم. [بی‌جا]: [بی‌نا].
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳). *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه جهانگیر میرزا قاجار. تصحیح میر هاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۹۰). *ایران، جامعه کوتاه مدت و مقاله دیگر*. عبدالله کوثری. چاپ سوم. تهران: نشر نی.
- کاهن، کلود و م. کبیر (۱۳۸۴). *بویهیان*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- کبیر، مفیزالله (۱۳۶۲). *ماهگیران تاجدار*. ترجمه مهدی افشار. تهران: زرین.
- گردیزی، ابی سعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۶۳). *زین الاخبار (تاریخ گردیزی)*. تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۹). *التنبیه و الاشراف*. ابوالقاسم پاینده. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۹). *فاطمیان مصر*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- نظریان، اصغر (۱۳۷۲). «شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱. ص ۱۰۲-۱۲۷.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله (۱۳۸۳). *معجم البلدان*. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن واضح ابی یعقوب (۲۵۳۶). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Lombard, Maurice (1975). *The golden age of Islam*. North- Holl and publishing company.